یادداشت

پارادوکس هرمز

ایران چگونه می‌تواند از قدرتمندترین اهرم جغرافیایی خود استفاده کند، بدون آنکه جهان را به دورزدن آن وادارد؟

رحمت‌الله دریجانی

تنگه هرمز هر بار که خاورمیانه وارد بحرانی تازه می‌شود، یک حقیقت قدیمی را به جهان یادآوری می‌کند؛ اینکه جغرافیا هنوز می‌تواند از بسیاری از سلاح‌ها قدرتمندتر باشد. چندده کیلومتر آبراه کافی است تا بازارهای انرژی نگران شوند، هزینه بیمه کشتی‌ها افزایش یابد و دولت‌هایی در هزاران کیلومتر دورتر، تحولات خلیج فارس را با اضطراب دنبال کنند. با این حال، بحران‌های اخیر پرسشی متفاوت و شاید مهم‌تر را پیش‌روی ایران قرار داده‌اند: آیا استفاده مکرر از این مزیت جغرافیایی، قدرت آن را افزایش می‌دهد یا به تدریج جهان را به سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به هرمز سوق می‌دهد؟

هرمز فقط یک تنگه نیست

اهمیت هرمز از آنجا ناشی می‌شود که بخش بزرگی از صادرات نفت و گاز کشورهای خلیج فارس ناگزیر از عبور از آن است. عربستان سعودی و امارات مسیرهایی برای انتقال بخشی از نفت خود به دریای سرخ یا دریای عمان ایجاد کرده‌اند، اما ظرفیت این خطوط هنوز با حجم انرژی عبوری از هرمز قابل مقایسه نیست. درباره گاز طبیعی مایع محدودیت‌ها جدی‌تر است؛ بخش مهمی از صادرات قطر راه جایگزین عملیاتی و هم‌سنگی ندارد. بنابراین، این ادعا که جهان می‌تواند در آینده نزدیک هرمز را کنار بگذارد، واقع‌بینانه نیست. جایگزین‌کردن چنین گلوگاهی تنها به ساخت یک خط لوله محدود نمی‌شود؛ بنادر، مخازن ذخیره‌سازی، پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال، امنیت مسیرها و قراردادهای بلندمدت نیز باید بازطراحی شوند. چنین تغییری زمان‌بر و پرهزینه است. اما «غیرقابل جایگزین‌بودن در کوتاه‌مدت» با «تضمین اهمیت برای همیشه» یکسان نیست. تاریخ اقتصاد جهانی نشان داده است هرگاه هزینه وابستگی به یک مسیر از هزینه ساخت جایگزین آن بیشتر شود، سرمایه و فناوری به تدریج جغرافیا را دور می‌زنند؛ نه یک‌شبه و نه به‌طور کامل، اما به اندازه‌ای که قدرت یک گلوگاه را کاهش دهند. اینجاست که ایران با پارادوکس هرمز مواجه می‌شود؛ هر بار که اختلال در این تنگه امکان‌پذیر نشان داده می‌شود، قدرت فوری ایران آشکارتر می‌شود، اما هم‌زمان انگیزه اقتصادی و امنیتی دیگران برای کاهش وابستگی به آن نیز افزایش می‌یابد.

از اهرم بازدارندگی تا دارایی مصرف‌شونده

هرمز برای ایران بخشی از معماری بازدارندگی است. این پیام که امنیت صادرات انرژی منطقه نمی‌تواند از امنیت ایران جدا باشد، محاسبات هر قدرتی را که به رویارویی نظامی می‌اندیشد، دشوارتر می‌کند. از این منظر، وجود توان اخلال در تنگه، حتی بدون استفاده عملی از آن، بخشی از قدرت ملی ایران محسوب می‌شود. مشکل از جایی آغاز می‌شود که یک اهرم راهبردی، به‌جای آنکه در پس‌زمینه محاسبات باقی بماند، به ابزاری برای مصرف مکرر در هر بحران تبدیل شود. استفاده بیش از اندازه از یک مزیت، دیگران را به یافتن جایگزین وامی‌دارد. تحریم‌های مالی، کشورها را به ایجاد سازوکارهای پرداخت موازی سوق داده‌اند؛ محدودیت‌های فناوری، زنجیره‌های تأمین تازه‌ای ساخته‌اند و ناامنی مسیرهای تجاری، بنادر و خطوط انتقال جدیدی به وجود آورده است. هرمز نیز از این قاعده مستثنا نیست. اگر عبور از آن برای شرکت‌های کشتیرانی و واردکنندگان انرژی با نااطمینانی دائمی همراه شود، پروژه‌هایی که پیش‌تر گران و غیراقتصادی به نظر می‌رسیدند، توجیه پیدا می‌کنند. خطوط لوله جدید، توسعه ظرفیت بنادر خارج از خلیج فارس، افزایش ذخایر راهبردی، تنوع‌بخشی به تأمین‌کنندگان انرژی و حتی سرعت‌گرفتن گذار به منابع جایگزین، همگی می‌توانند پیامد تکرار بحران باشند. در چنین شرایطی، ممکن است ایران در هر مقطع، توان فشار خود را نشان دهد، اما در افق بلندمدت بخشی از ارزش همان اهرم را فرسوده کند. این همان تفاوت میان نمایش قدرت و حفظ قدرت است.

هر اتفاقی بیفتد پرسش پابرجاست

ممکن است رایزنی‌های جاری در نهایت به توافقی محدود درباره عبور کشتی‌ها و کاهش تنش در هرمز منجر شود. چنین توافقی می‌تواند خطر درگیری فوری را کاهش دهد، بازارهای انرژی را آرام‌تر کند و راهی برای ادامه گفت‌وگوهای سیاسی باز نگه دارد. با این حال، حتی در این صورت نیز مسئله اصلی حل نشده است: آیا توافق صرفا بازگشت موقت کشتی‌ها به مسیرهای عادی خواهد بود یا به سازوکاری پایدار برای تعریف نقش ایران در امنیت خلیج فارس تبدیل می‌شود؟ احتمال دیگر آن است که وضعیت مبهم ادامه یابد؛ نه توافقی نهایی حاصل شود و نه طرف‌ها به سمت جنگی تمام‌عیار حرکت کنند. این وضعیت شاید در ظاهر از درگیری کم‌هزینه‌تر باشد، اما نااطمینانی طولانی‌مدت خود نوعی هزینه راهبردی ایجاد می‌کند. بازارها می‌توانند با یک حادثه کوتاه کنار بیایند، اما نمی‌توانند برای مدت نامعلوم بر احتمال بازشدن یا بسته‌ماندن یک مسیر حیاتی برنامه‌ریزی کنند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

وطن‌دوستی وظیفه‌محور از فردوسی تا مصدق

احمدرضا سازگارنژاد

۲۸ مرداد یکی از پررنگ‌ترین تصاویر در حافظه تاریخی ایرانیان است؛ روزی که تلاش برای ساختن دولتی ملی، با کودتایی متکی بر نیروهای داخلی و حمایت خارجی، به شکست انجامید. آثار تاریک این ناامیدی برای سال‌ها بر حافظه جمعی کنشگران اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران باقی ماند. پیشامدی که بی‌شک یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری ریشه‌های انقلاب سال ۵۷ نیز بود. محمد مصدق، با پشتوانه مردمی و برآمده از ساختاری مشروطه و پارلمانی، رهبری نهضت ملی‌شدن صنعت نفت را بر عهده گرفت؛ اقدامی که آینده اقتصادی و سیاسی جدید برای ایران رقم زد و دگرگونی اساسی در رابطه دولت-ملت به وجود آورد. تاریخ اما با مصدق مهربان نبود؛ رقابت‌ها و خصومت‌های داخلی در کنار مداخله آمریکا و بریتانیا، دولت او را سرنگون کرد. مصدق در دورانی به نخست‌وزیری رسید که ایران هنوز درگیر پیامدهای اشغال، ضعف ساختار دولت، رقابت دربار و مجلس و دخالت گسترده قدرت‌های خارجی بود. با این حال، در همان شرایط دشوار کاری کرد که اثر آن بسیار فراتر از عمر دولتش باقی ماند؛ اتفاقی که در تاریخ ایران بیش از آنکه یک استثنا باشد، قاعده عملکرد وطن‌دوستان دغدغه‌مند و وظیفه‌شناس بوده است: تبدیل تلاش‌های فردی به سازوکارهای جمعی وطن‌دوستانه با نگرش آبادی ایران در افق دید بلندمدت که در قالب نهادی استوار در بستر زیست اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایرانیان پایدار شود.

اگر به گذشته بنگریم، از فردوسی و خواجه نصیرالدین طوسی تا امیرکبیر و دکتر مصدق، با شخصیت‌هایی مواجه می‌شویم که همگی در عصری می‌زیسته‌اند که سخت‌ترین زمان برای انجام اصلاحات کلیدی و اقدامات تحولی بوده است. همه این بزرگان با سعی فراوان کوشیدند برآیند خواست عمومی را به سازوکاری جمعی و نهادی تبدیل کرده و اثرگذاری بلندمدت این اقدامات را تضمین کنند. یکی دیگر از وجوه اشتراک آنان این بوده است که اکثرا نه‌تنها ثمره کامل کار خود را ندیدند، بلکه گاه هزینه سنگینی نیز برای آن پرداختند و کشته، تبعید یا به حاشیه رانده شدند. کسانی که محدودیت‌های زمان و مکان را مانعی برای قدم‌برداشتن در مسیر آبادانی ایران ندانستند. به بهانه سالروز کودتای ننگین ۲۸ مرداد و بزرگداشت دکتر محمد مصدق، که قله وطن‌دوستی در عصر حاضر است، می‌کوشم تا در این یادداشت ضمن مرور دستاوردهای این شخصیت‌های برجسته، از آنان یاد بگیرم که چطور می‌توان در امروز که بحق عصر حیرت، ناامیدی و عدم قطعیت است، برای ایران عزیزمان کاری کرد.

اکثر ایرانیان با فردوسی، شخصیت ممتاز ادب، تاریخ و حکمت ایرانی آشنا هستند. فردوسی بزرگ یکی از نمادهای ایران‌دوستی مؤثر است. کسی که سال‌های طولانی از عمر خود را با مشقت و تلاش فراوان صرف خلق یکی از ماندگارترین آثار هنری-ادبی-معرفتی جهان کرده و اسطوره‌های ایرانی را تا مادامی که جهان پابرجاست، زنده نگه داشته است. ما شناختن رستم، زال، کیکاووس، گردآفرید و... را مدیون فردوسی هستیم. شاهنامه امروز بیش از آنکه یک شاهکار ادبی و حکمی باشد، نهادی است که ضامن پایداری و شکوفایی زبان فارسی و فرهنگ اساطیری ایرانی است و تبدیل به بستری برای گفت‌وگوهای بین‌نسلی شده است.

فردوسی آفریدن شاهنامه را در دوره اختناق فکری سلطان محمود غزنوی انجام داد. در دوره‌ای شاهنامه را شاخ و برگ داد که زبان فارسی تحت استیلای زبان عربی بود و فرهنگ حاکم بر جامعه با سیاست‌های اقوام بدوی شکل می‌گرفت. بعید است کسی بتواند مدعی شود شرایط امروز ما از روزگاری که فردوسی در آن به سر می‌برد دشوارتر است. مثال فردوسی شاید از خیلی جهات ایدئال باشد و سخت است کسی را که در هر هزاره یک نفر مانند او زاده می‌شود که هم استعداد نامتناهی دارد و هم توانی خستگی‌ناپذیر، با عموم افراد جامعه مقایسه کرد. فردوسی در فقر و تنگدستی و با بی‌مهری فراوان از حاکمان عصر خود از دنیا رفت، اما می‌توان از روش و منش او برای وضع امروز جامعه خودمان و نسبت ما با ایران درس‌های فراوان گرفت.

چند قرن بعد، خواجه نصیرالدین طوسی در یکی از پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران زندگی کرد؛ دوره حمله مغول، فروپاشی نظم پیشین و شکل‌گیری حکومت ایلخانان؛ زخمی که از حمله مغول بر روح و روانی ایرانیان باقی‌مانده تاکنون پابرجاست. در زمانی که بخش بزرگی از ایران با ویرانی و آشفتگی سیاسی روبه‌رو بود، خواجه نصیر با تدبیر فوق‌العاده موفق شد یکی از خون‌خوارترین حاکمان تاریخ ایران، هلاکوخان را رام تدبیر خود کرده و یکی از مهم‌ترین مراکز علمی عصر خود را پایه‌گذاری کند. رصدخانه مراغه تنها جایگاهی برای دیدن ستارگان نبود، بلکه تبدیل به نهادی شد که دانشمندان فراری و در حاشیه افتاده حول آن گرد آمدند و به تبادل علمی در ریاضیات، نجوم و فلسفه پرداختند.

خواجه نصیر که در بُعد فردی حائز دستاوردهای فراوانی در علم اخلاق، ریاضیات و فلسفه بود، در عصر فروپاشی چارچوب‌های حکومت‌داری ایرانی، زیرساختی برای دانش و تبادلات علمی فراهم آورد؛ پایه‌ای که نسل‌های بعدی از آن بهره بردند و به شکل‌گیری فعالیت علمی در ایران کمک شایانی کرد. خواجه نصیر در عصری که عصر خلفای عباسی ضد شیعه و هلاکوخان بدوی بود، یکی از تأثیرگذارترین وطن‌دوستان تاریخ ایران شد. ما در ایران روز مهندس را به پاس خدمات خواجه نصیر گرامی می‌داریم.

امیرکبیر در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه، وارث دولتی با خزانه‌ای ضعیف، دستگاه اداری ناکارآمد، نفوذ گسترده قدرت‌های محلی و فشار سیاسی روسیه و بریتانیا شد. با این حال، در کمتر از چهار سال تلاش کرد دولت مرکزی را منظم‌تر و توانمندتر کند، هزینه‌های دربار را کاهش دهد، نظام مالی را اصلاح کند، صنایع و ارتش را توسعه دهد و در سیاست خارجی از میزان وابستگی ایران به قدرت‌های خارجی بکاهد.

دارالفنون شاید ماندگارترین نماد جهان‌بینی توسعه‌گرای او باشد؛ نهادی برای آموزش علوم و فنون جدید که اثرش بسیار بیشتر از دوره کوتاه صدارت امیرکبیر باقی ماند. انتشار روزنامه وقایع‌الاتفاقیه و تقویت نهادهای مرتبط با افکار عمومی نیز بخشی از همین نگاه به ساختن ابزارهای یک دولت جدید بود. نقش روزنامه‌ها در جنبش مشروطه بی‌ارتباط با اقدامات امیرکبیر نیست. امیرکبیر در یک بازه چهارساله برخی از مهم‌ترین اصلاحات تاریخ سیاسی و اقتصادی ایران را پایه‌گذاری کرد. سرانجام این تلاش‌ها به قتل وی به دست شاه انجامید و او نیز به سیاهه وطن‌دوستانی ایرانی پیوست که با وجود خدمات شایسته‌شان، ارج ندیدند. بسیاری از اصلاحات امیرکبیر پس از برکناری و قتلش متوقف شد، اما ایده دولت منظم، آموزش جدید و ایجاد نهادهایی که بتوانند کشور را در بلندمدت تغییر دهند، باقی ماند.

یکی دیگر از اثرگذارترین وطن‌دوستان مسئول ایرانی معاصر، دکتر محمد مصدق است. سیاست‌مداری که زندگی سیاسی‌اش در بستر گذار از قاجار به پهلوی، تجربه مشروطه و کشمکش دائمی بر سر حدود اختیارات شاه، دولت و مجلس شکل گرفت. مهم‌ترین میراث او ملی‌شدن صنعت نفت و تأکید بر حق ایران برای تصمیم‌گیری درباره منابع ملی و اقتصادی خود بود. مصدق در عصری صنعت نفت را ملی کرد که کشور شاهی دست‌نشانده داشت و از نظر اقتصادی در شرایطی اسفناک بود. در همین بستر، او با فراستی فوق‌العاده و با استفاده از ظرفیت‌های ملی و قانونی موفق شد صنعت نفت را ملی کند؛ اقدامی که اقتصاد ایران امروز را شکل داده و ظرفیتی عظیم برای توسعه اقتصادی فراهم کرد. سرانجام محمد مصدق نیز مانند قائم‌مقام و امیرکبیر بود؛ او در نَهایت با کودتای مشترک آمریکا و انگلیس و با حمایت طرفداران محمدرضا پهلوی سرنگون شد. اما اثری که گذاشت برای همیشه در تارک این سرزمین ماندگار شد.

مصدق در مدت محدود چندساله نخست‌وزیری خود اصلاحات اساسی اقتصادی و حقوقی مهمی را آغاز کرد که همگی در سایه اقدام ملی‌شدن صنعت نفت به حاشیه رانده شدند و کمتر از آنان سخن رفت. او تلاش‌های فراوانی برای اصلاح ساختار مالیه دولت انجام داد و بر نهادی‌کردن قانون در ساختارهای حکمرانی کشور همت فراوان گماشت و همین موضوع نیز سبب درگیری او با شاه و دربار و در نهایت بدبینی شاه به وی شد. او از اولین نخست‌وزیران وطن‌دوست برآمده از رأی مردم ایران بود و با وجود سرنگونی دولتش و مرگ در حصر، ایده‌های او برای اداره کشور و وطن‌دوستی‌اش سرمشق و سرلوحه ایران‌دوستان فراوانی قرار گرفت.

همه چهره‌هایی که از آنها سخن رفت، اقداماتی بزرگ و اثرگذار در تاریخ این سرزمین انجام دادند و این کار را در عصری کردند که کمترین شرایط مهیا بود. ایشان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محدود زمان و مکان، تلاش‌های خود را در چارچوب نهادی در ایران تثبیت کرده و تلاش‌های خود را جاودانه کردند. تاریخ پیام روشنی برای امروز دارد. شرایطی که بسیاری از گذشتگان ما در آن بعضی از مهم‌ترین اقدامات تمدنی این سرزمین را رقم زدند، اگر از شرایط امروز سخت‌تر نبوده باشد، آسان‌تر هم نبوده است. مسئله بیش از آنکه مساعدبودن شرایط باشد، نوع نگاه ما به مسئولیتی است که در برابر ایران داریم. هیچ‌یک از این افراد در عصر خود قدر ندیدند، اما افق دیدشان دوره کوتاه مسئولیت و زندگی‌شان نبود و اثراتی بر جای گذاشتند که تا امروز با ماست. ما هم‌اکنون در عصری زندگی می‌کنیم که وطن‌دوستی وظیفه‌محور یعنی عمل‌گرایی واقع‌بینانه با هدف آبادانی و توسعه بلندمدت ایران؛ یعنی عبور از نگاه کوتاه‌مدت و محدود به مکان خاص؛ یعنی اندیشیدن به آینده‌ای که هنوز نیامده و تبدیل دستاوردهای مقطعی و فردی به نهادها و سازوکارهای جمعی که اثراتشان پایدار بماند.

یادداشت

تخاصم کسالت‌بار کلیشه‌ها

ادامه از صفحه اول

شریعتی کم‌وبیش ۱۰، ۱۲ سال سخن گفت و نوشت. در طول عمر کوتاه فکری‌اش ایده‌های بسیاری را مورد تجدیدنظر قرار داد. بارها با کلیشه‌شدن خود نزد خودش ستیز کرد. آنچه گفت و نوشت، همان‌قدر که با خرد و جان و دل خود او درآمیخته بود، با روح زمان و رویدادهای زمانه‌اش هم‌ساز بود. اما چه می‌توان کرد، اصحاب قدرت و ثروت از میراث او کلیشه‌ها ساختند و در منطق زمانی متفاوت به کار بستند. کلمات مرده تبلیغاتی جایگزین یک نظام کلامی پرطپش و توفان شد. شریعتی پس از مرگ، در زندان کلیشه‌هایی قرار گرفت که از مفاهیم و عبارات خود او ساخته بودند.

در آغاز دهه ۷۰، کلیشه شریعتی موضوع نقدهای مهم و عالمانه‌ای قرار گرفت. هدف، گشودن فضای مسدودی بود که اصحاب قدرت و ثروت ساخته بودند. کلیشه‌های برآمده از آثار شریعتی نیز در ساخت‌وساز آن فضای تیره و مسدود بی‌نقش نبود. نقدهای دهه ۷۰ به کلیشه شریعتی گشودن فضا را هدف گرفته بود. همه چیز به حساب شریعتی نوشته شد. اما اگر او خود زنده بود، از شکستن صورت کلیشه‌ای‌شده اندیشه‌اش چه‌بسا خرسند می‌شد. تاریخ و زمان بی‌رحم است. برای گشودن افق‌های تازه، مروتی ندارد. بی‌آنکه به پشت سر خود خوب نظر کند، می‌درد و به پیش می‌رود. شریعتی قربانی کلام کلیشه‌شده‌اش شد. اما اگر این همه برای شکستن سدهای پیش‌رو است، اندیشمند از دل رضایت خواهد داد.

اما شریعتی یک شانس تاریخی آورده است. زبان نقد او نیز خود به کلیشه تبدیل شد. سال‌هاست اصحاب ثروت و قدرت، از کلام منتقد شریعتی، کلیشه‌ها ساخته‌اند. همان‌قدر که کلیشه شریعتی مرده است و اثری از جان و خرد و خون شریعتی در آن نیست، نقدهای کلیشه‌شده نیز بی‌معنا و بی‌جان هستند و هیچ فضایی را نمی‌گشایند، جز آنکه کار کسانی را در بازار رقابت اقتصاد و سیاست راه می‌اندازند.

کلام هنگام خلق و تولیدش، با مسئله زمانه درآمیخته است، کلیشه ربط و نسبتی با مسئله حاد زمانه ندارد.

معلوم نیست در فضایی که اندوه حوادث دی‌ماه در جان مردم خانه کرده است، تجاوز دو قدرت خارجی ایران را در معرض یک خطر بزرگ قرار داده، بحران عمیق اقتصادی دست‌به‌گریبان زندگی مردم است، طرح شریعتی و ناسزاگویی به او به چه معناست؟ این خصیصه کلیشه است. نسبت به بستر زمانی خود کور است.

شریعتی کلیشه‌شده، در نتیجه حملات کلیشه‌شده اینک می‌تواند فرصتی برای فهم مجدد پیدا کند؛ آن‌هم در زمانی که همه چیز حکایت از آن دارد که استحمار از استبداد و استعمار اثربخش‌تر است. کلیشه‌ها نافی تفکر هستند، ابزار استحمار خلق‌اند، راهگشای منابع قدرت و ثروت قدیم یا جدید.

جدول ۵۳۸۶ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اسب بالدار جاودانی در اسطوره‌های یونان- از الحان باربدی ۲- محوکردن- داخل‌شدن- سهل‌انگاری ۳- از مراکز خرید و فروش ارز- اصول و مبانی ۴- نوعی مالیات- بیرون- چین‌وچروک پوست ۵- بله شیرازی- از لایه‌های درونی زمین- حروف ادغام ۶- پریشان‌گویی بیمار- از پیامبران بنی‌اسرائیل- حرف همراهی ۷- کلمه پرسش- به‌کاربستن قانون- دگرگون‌شده ۸- نور اندک و ضعیف- آلیاژی از آهن ۹- پیامبری که در سالخوردگی صاحب فرزند شد- ستاره- منفعت ۱۰- رایحه- قهرمان فیلم سازدهنی- ساخته‌شده از نقره ۱۱- عمارت قدیمی و دیدنی بیرجند- محل تعویض لباس ورزشکاران- طرف ۱۲- شهری در استان اردبیل- پایتخت لهستان- نام تعدادی از فراعنه مصر قدیم ۱۳- شروع، آغاز- خوراک سفر ۱۴- ساقه خوراکی- دومین عنصر فراوان در بدن انسان- گریه و زاری ۱۵- دستگاه اندازه‌گیری قند خون- لوس و نتر

عمودی:

۱- نام قدیم تخت‌جمشید- مجموعه‌شعری سروده محمدرضا شفیعی‌کدکنی ۲- ناپیدا- آماده سفر- نوعی شیرینی ترد و نرم- پهلوان ۳- آمارگیری- روضه‌خوان- تحسین فرنگی ۴- کمانچه هندی- حالتی مخصوص زن آبستن- سگ قهرمان رمان آوای وحش ۵- خواهش‌های نفسانی- تیرانداز- شاهزاده‌ای در سریال افسانه جومونگ ۶- از ماهیان اقتصادی دریای خزر- آشنا- قوم حضرت موسی(ع) ۷- شکل ظاهری- همسایگی- نوعی موشک ضد تانک ۸- امر به گفتن دارد- به پارچه می‌زنند تا براق شود- روی پلو ریخته و نوش جان کنید- تکرار حرفی ۹- فقیر- مهربانی- مقابل بیداری ۱۰- لقب شیطان- واحد طول روسی معادل ۱۰۶۷ متر- گناه ۱۱- خوردنی در دعوا- ماده آرایشی مژه‌ها- بی‌ریا ۱۲- پسوند شباهت- شبیه و نظیر- ستیزه‌کردن ۱۳- خوشبوکننده شیرینی- ملکوتی- آلبومی با آواز سالار عقیلی ۱۴- صوت شگفتی- پول روسیه- سیاره زهره- درخت زبان‌گنجشک ۱۵- نام قدیم شهر اراک- ابزاری برای انتقال پیام

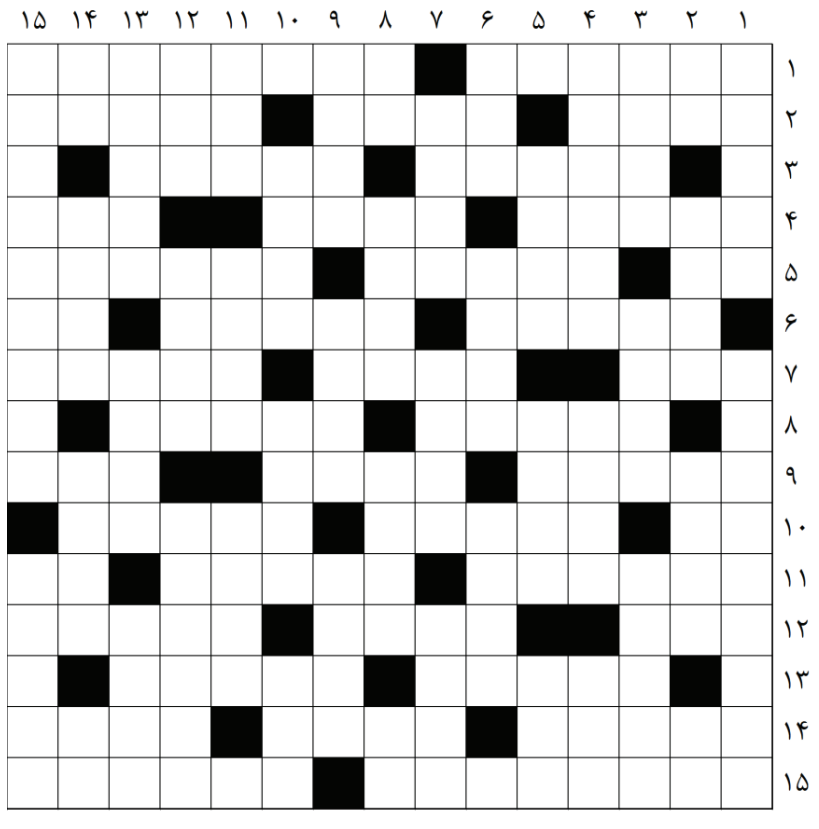

حل سودوکو ۴۳۸۱

۳	۲	۷	۱	۶	۴	۵	۸	۹
۸	۹	۶	۳	۲	۵	۴	۷	۱
۴	۵	۱	۷	۹	۸	۶	۳	۲
۵	۴	۲	۸	۳	۱	۷	۹	۶
۶	۷	۳	۲	۵	۹	۱	۴	۸
۹	۱	۸	۶	۴	۷	۲	۵	۳
۲	۶	۵	۹	۷	۳	۸	۱	۴
۷	۸	۹	۴	۱	۶	۳	۲	۵
۱	۳	۴	۵	۸	۲	۹	۶	۷

۷	۹	۵	۲	۶	۱	۳	۴	۸
۱	۴	۲	۸	۳	۵	۶	۷	۹
۸	۶	۳	۷	۴	۹	۲	۱	۵
۵	۱	۶	۴	۷	۸	۹	۳	۲
۳	۷	۹	۱	۵	۲	۸	۶	۴
۴	۲	۸	۳	۹	۶	۷	۵	۱
۹	۳	۱	۵	۲	۷	۴	۸	۶
۶	۵	۷	۹	۸	۴	۱	۲	۳
۲	۸	۴	۶	۱	۳	۵	۹	۷

حل جدول ۵۳۸۵

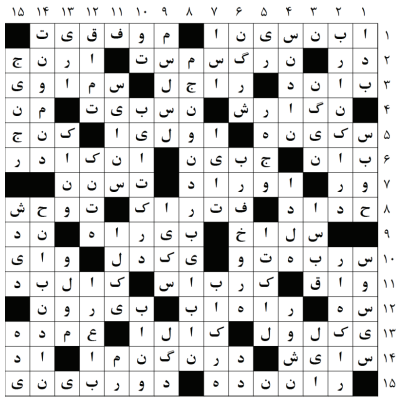

سودوکو سخت ۴۳۸۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۱	۲				۵		۹
					۶		۴	
	۳	۴		۵	۱	۶		۸
	۶	۹	۷		۸	۲	۵	
۸		۵	۶	۴		۳	۷	
	۷		۵					
۵		۸				۹	۶	

سودوکو ساده ۴۳۸۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۹	۷	۸	۶	۵	
۸				۳	۵		۷	
						۸	۳	۹
۴					۹		۶	۵
	۱	۷				۴	۹	
۵	۹		۴					۱
۹	۷	۴						
	۸		۷	۶				۳
	۳	۱	۸	۹	۲			